

برساخت اجتماعی و فرهنگی مسأله اجرای مهریه در ایران:

مطالعه کیفی انگیزه های زنان شیرازی از به اجرا گذاردن مهریه های خود

دکتر خدیجه سفیری**

دکتر ابوعلی و دادمیر***

سمیه طالبی اردکانی***

تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۲۰

تاریخ پذیرش: ۸۷/۱۱/۲۷

ژورنال علمی پژوهشی مطالعات اجتماعی و فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

چکیده

این مقاله با هدف فهم برساخت اجتماعی اجرای مهریه در میان زنان درگیر با این مسأله و انگیزه های اصلی آنان از انجام چنین عملی و با بکارگیری روش های تحقیق کیفی به ویژه "نظریه بنیانی" صورت گرفته است. به منظور نیل به چنین هدفی، ۲۶ نفر از زنان درگیر با مسأله اجرای مهریه که در یکی از شعب دادگاه خانواده شهر شیراز تشکیل

** عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا

email: vedadhir@gmail.com

** عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

** پژوهشگر حوزه جنسیت و کارشناس ارشد مطالعات زنان از دانشگاه الزهرا.

email: somaye_talebi@yahoo.com

پرونده داده و حاضر به مشارکت در این پژوهش بودند، با استفاده از مصاحبه‌های کیفی و عمیق مورد مطالعه قرار گرفته اند یافته های تحقیق نشان می‌دهد که زنان درگیر با مسأله اجرای مهریه، روایت‌های گوناگونی از این موضوع و همچنین انگیزه‌های خود در به اجرا گذاردن آن داشته و مهریه را به مثابه ابزاری برای دستیابی به حقوق نانوشته خود تلقی می‌نمایند. این زنان همچنین راه حل اصلی بهبود وضعیت زنان ایرانی و محو نابرابری‌های موجود جنسیتی را خوانش مجدد و تجدید نظر اساسی در مواد قانونی مربوط به زنان به ویژه در زمینه ازدواج و طلاق می‌دانند.

واژه‌های کلیدی: مهریه، ازدواج، اجرای مهریه، ازدواج، برساخت اجتماعی، برساخت‌گرایی اجتماعی، نظریه بنیانی، مضامین

مقدمه و طرح مسأله

مهریه در زمرهٔ معدود قوانین و مفاهیم حقوقی و اجتماعی ایران است که در برابر مجموعه وسیعی از قواعد حقوقی مردان، به زنان اختصاص یافته است. این مفهوم که ریشه‌ای عربی دارد و در زبان فارسی آن را «کابین یا کبین»، «دست پیمان»، «روی گشان»، «یکدلی»، «صداق»، «اجر» نیز نامیده‌اند (انصاف‌پور، ۱۳۷۴؛ باباخانی، ۱۳۷۷)، مفهوم نسبتاً پیچیده و مباحثه‌برانگیزی بوده و در جامعهٔ معاصر ایران به مفاهیم دیگری مانند عقد، ازدواج یا نکاح و انواع آن، طلاق، خانواده، زناشویی و مالکیت، پیوند خورده است. مهریه دارای انواع متعددی است. برای مثال، بر اساس قوانین مدنی ایران، سه نوع مهریه وجود دارد: مهرالمسمی، مهرالمثل و مهرالمتعہ. همچنین، از منظرهای متفاوت (عرفی، حقوقی یا قانونی، سیاسی و اجتماعی) تعاریف گوناگونی از این مفهوم ارائه شده است. برای مثال، از دیدگاه عرفی، مهریه، میزانی از پول، کالا یا اموالی است که مرد به هنگام ازدواج، متعهد به پرداخت آن به همسرش می‌گردد. «همچنین، بر اساس قانون «اصلاح مقررات طلاق مصوب ۱۳۷۱» اجرای صیغهٔ طلاق و ثبت آن پس از پرداخت تمامی حقوق مالی زن امکان‌پذیر است؛ مگر در شرایطی که زن، مهریهٔ خود را بخشیده باشد و یا حکم قطعی بر اعسار شوهر صادر شده باشد. در جامعه ایران، مهریه کارکردهای اجتماعی مختلفی داشته است» (کاتوزیان، ۱۳۸۴). در حالی که در گذشته نه چندان دور، کارکرد اصلی مهریه، حفظ استقلال زن، به ویژه

ز حیث مالی در تمام طول زندگی مشترک و پس از آن بود، امروزه به علت تناقضات موجود در مجموعه حقوقی مرتبط با زنان و مردان، کارکردهای جدیدتری یافته و سبب گردیده است تا به هنگام بروز شرایط دشوار و مشکل‌زاین قانون از ماهیت واقعی و کارکرد اصلی خود دور شود و به‌مثابه ابزاری برای رفع نابرابری‌های موجود به کار رود (طالبی اردکانی، ۱۳۸۶). بدین ترتیب که با اجرای مهریه یا افزایش دامنه تکرار آن در جامعه، شرایطی دشوار، منفی، شایع، گسترده و مشکل‌زا از آن در ذهن مردم ترسیم می‌شود و به مرور این قضیه به موضوعی محوری برای حوزه عمومی و گفتمان‌های اجتماعی بدل می‌شود. مهریه حتی در سطحی فزاینده ممکن است با مطرح نمودن خود در رسانه‌ها، طیفی از جهت‌گیری‌های متفاوت اخلاقی و شخصی را برانگیخته و زمینه‌های لازم را برای برساخت خود به مثابه یک مسأله اجتماعی فراهم نماید. این مقاله تلاشی است برای مطالعه برساخت اجتماعی و فرهنگی اجرای مهریه در میان زنان درگیر با این مسأله در شهر شیراز. مقاله حاضر در واقع به دنبال پاسخ به دو پرسش اساسی زیر است:

- چگونه زنان درگیر با مسأله اجرای مهریه آن را می‌فهمند، برمی‌سازند و روایت می‌کنند؟
- انگیزه‌های واقعی زنان درگیر با مسأله به اجرا گذاشتن مهریه خودشان کدام‌ها هستند و آن‌ها چگونه انگیزه‌های خود را تشریح و روایت می‌کنند؟

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

چارچوب نظری و پیشینه تجربی

ماهیت نسبتاً پیچیده و چندوجهی مسأله اجرای مهریه در جامعه ایران نیازمند به کارگیری رویکردها و مدل‌هایی نظری است که صرفاً به ابعاد و دلالت‌های صرفاً عینی و ملموس موضوع توجه نمی‌کنند، بلکه با طرح پرسش‌های از "جنس چگونگی" (۱)، زوایا و معانی ذهنی و برساخت‌گرایانه آن را نیز مورد توجه قرار می‌دهند. تصور بر این است "رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی" (۲) که از جمله آخرین رویکردها و مدل‌ها در حوزه مسائل اجتماعی است، از خصوصیات و شرایط لازم برای تبیین مسأله دشوار و مشکل‌زایی مانند اجرای مهریه در ایران برخوردار است. به همین دلیل، این مقاله در تمامی بخش‌ها و مباحث خود، از طرح

مسئله تا بحث و نتیجه‌گیری، از نوع خاصی رویکرد بر ساخت‌گرایانه بهره می‌گیرد. این رویکرد در پی درک فرایند توسعه پدیده‌های اجتماعی در متن جامعه بوده و به طور پیوسته فرایند خلق پدیده‌ها و مسائل اجتماعی، مشروعیت‌سازی و نهادینه‌سازی آن‌ها در جوامع بشری و نمایان شدن آن‌ها به مثابه آداب و رسوم و حتی قوانین بلاشک انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد. تمرکز اصلی این رویکرد بر نمایان کردن راه‌ها یا رویه‌هایی است که افراد، گروه‌ها و سایر نیروهای اجتماعی به واسطه آن‌ها در خلق معانی جهان اجتماعی پیرامون خود، به ویژه از طریق مؤلفه‌ها و ابزارهای زبانی مشارکت می‌کنند (م. ش. برگر و لاکمن، ۱۹۷۶).

این نوع خاص از رویکرد بر ساخت‌گرایی اجتماعی (رویکردی تعریفی نسبت به مسائل انسانی و اجتماعی) برای اولین بار در جامعه‌شناسی توسط مالکوم اسپکتور و جان کیتسوز (M. Spector & J. I. Kitsuse) در اواخر دهه ۷۰ قرن بیستم مطرح شد و به دلایل زیاد، از جمله قدرت تحلیلی بالای آن، از محبوبیت و اقبال بسیاری در میان جامعه‌شناسان برخوردار شد و عمومیت یافت. بر ساخت‌گرایی اجتماعی را می‌توان نستخه تلفیقی، جامعه‌شناختی تر و دقیق‌تر "نظریه انگ زنی" (بکر، ۱۹۶۳) در بحث کجروی و بزهکاری از یک سو و بر ساخت‌گرایی اجتماعی در جامعه‌شناسی معرفت یا "نظریه بر ساخت اجتماعی واقعیت" (۱) (برگر و لاکمن، ۱۹۷۶) در نظر گرفت (قاضی طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۶). این رویکرد همچنین در میان جامعه‌شناسان مسائل اجتماعی، به نظریه کنش متقابل نمادین (۲) یا نظریه رفتار جمعی تعامل‌گرا (۳) نیز معروف و شناخته شده است. هربرت بلومر در مقاله بسیار اثرگذاری در سال ۱۹۷۱ با عنوان "مسئله اجتماعی به رفتاری جمعی"، مسائل اجتماعی را به مثابه محصول یا نتیجه فعالیت‌های دسته جمعی تعدادی از افراد جامعه تعریف می‌کند که برای درک نحوه بر ساخت یک مسئله اجتماعی، توجه به "فرایند کنش متقابل میان اقامه‌کنندگان دعاوی و مخاطبین آن‌ها" ضروری است (بلومر، ۱۹۷۱؛ همچنین م. ش. یوشی‌هاما، ۲۰۰۲؛ مک رایت و ریلی، ۲۰۰۰).

در میان انواع متفاوت بر ساخت‌گرایی اجتماعی، این نوع یا نحله بر این فرض بنیادین

متوار است که فرایند تعریف و تاریخ طبیعی یک "مسئله اجتماعی" مهمتر از شرایط، وجودیت یا هستار^(۱) واقعی همان مسئله است و "مسائل اجتماعی چیزی غیر از فعالیت‌های معرفی افراد درباره شرایط یا رفتاری که آن را مشکل‌آفرین یا مسئله‌دار می‌بینند از جمله فعالیت‌های تعریفی یا معطوف به اقامه دعوی^(۲) سایرین نیست" (اسپکتور و کیتسوز، ۱۹۸۷؛ شنايدر، ۱۹۸۵). از دیدگاه اسپکتور و کیتسوز هیچ کدام از رویکردهای پیشین توانسته‌اند به یک نظریه واقعی در مورد مسائل اجتماعی دست یابند و تنها تعاریف ذهنی هستند که می‌توانند هدف مناسبی برای آن دسته از جامعه‌شناسانی باشند که درصدد شکل دادن به یک نظریه واقعی جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی هستند.

این نگرش با یک دید کاملاً انتقادی، هیچ شرایطی را لزوماً بد نمی‌داند و بر این ادعاست که جهان این مادی، فی‌نفسه فاقد معناست و این انسان‌ها هستند که با مداخله‌های ذهنی خود به امور جهان مادی معنا می‌بخشند. بنابراین، مسائل اجتماعی نیز، در واقع برساخته‌ها یا فرآورده‌های ذهن افراد هستند (لاسکی، ۲۰۰۳). از این منظر، حتی اصطلاح "مسئله اجتماعی" نیز خود یک سازه یا برساخته اجتماعی بوده و بهترین راه برای فهم این مقوله یا سازه و درک چگونگی شکل‌گیری آن، توجه به معانی لغات و تعاریف خاص آن‌هاست (مک رایت و ریلی، ۲۰۰۰).

از نظر اسپکتور و کیتسوز (۱۹۸۷) برساخت‌گرایی اجتماعی، رویکردی است که به فرایندی توجه دارد که شرایط یا حالت اجتماعی مسئله‌دار به نظر می‌رسند. برساخت اجتماعی مسائل اجتماعی، کانون مباحث این رویکرد است. تحلیل‌های برساخت‌گرایان، بر فرایندی متمرکز است که مردم برخی شرایط اجتماعی را به مثابه مسائل اجتماعی می‌انگارند. از این روی، برداشت ما از اینکه چه چیزی به لحاظ اجتماعی مسئله است و چه چیزی نیست، خود یک فرآورده یا برساخته اجتماعی است؛ چیزی که از طریق فعالیت‌ها یا کارهای اجتماعی، از جمله فعالیت‌های اقامه دعوی ایجاد یا برساخته شده است. در نتیجه، اقامه دعوی و فرایند تعریف شرایط ظاهراً مسئله دار اجتماعی دارای اهمیت کلیدی در این رویکرد بوده و اقامه کنندگان دعاوی، صاحبان دعاوی مخالف، گیرندگان (حُضار یا مخاطبین) دعاوی از عوامل

اصلی برساخت مسائل و شرایط اجتماعی هستند (اسپکتور و کیتسوز، ۱۹۸۷؛ بست، ۱۹۹۵، ۲۰۰۴، ۲۰۰۸). دانیلین لاسکی این فرایند را تحت عنوان "بازی یا کار مسائل اجتماعی" (۱) می‌نامد. فرایند مذکور صرفاً شامل "شرایط" نمی‌شود، بلکه "مردم" و "راه‌حل‌های" مربوط به مسائل را نیز در بر می‌گیرد. به طور خلاصه، در حالی که در برساخت شرایط تأکید بر تلاش‌های صورت گرفته برای اقناع و ترغیب مخاطبین نسبت به منطق و عقلانیت طرح مسأله یا موضوع است، در برساخت مردم تلاش می‌شود بر روی احساس یا بعد حسی نگرش آن‌ها نسبت به دعاوی اقامه شده تأثیر گذارده شود. در برساخت راه‌حل‌ها نیز این سؤال اساسی مطرح می‌شود که برای حل مسأله چه باید کرد و چه زمانی برای ارایه و اجرای راهکار مناسب است؟ نکته‌ای که باید به آن توجه داشت این است که سه برساخت مذکور و زیر مجموعه‌های آنها مستقل از هم نبوده و قویاً با همدیگر در تعامل هستند (لاسکی، ۲۰۰۳).

"اسپکتور و کیتسوز" چهار مرحله‌ی اساسی برای برساخت یا بازی مسائل اجتماعی پیشنهاد می‌کنند:

- ۱) نیروهای اجتماعی (اقامه‌کنندگان دعوی) همواره تلاش می‌کنند با عنوان کردن برخی شرایط یا رفتارها در قالب ناخوشایند، نامطلوب، خطرناک و جز آن‌ها بر وجود برخی شرایط مسأله‌دار تأکید و آن‌ها را عمومی کنند (به اطلاع عموم رسانند)؛ به مباحث و چالش‌ها دامن زنند و نهایتاً یک مسأله اجتماعی و یا سیاسی را تعریف کنند.
- ۲) به رسمیت شناخته شدن این نیروها توسط سازمان‌ها، کارگزاران و یا نهادهای رسمی. این امر ممکن است برخی تحقیقات رسمی، طرحواره‌ها و پروپوزال‌ها برای اصلاح و تأسیس و نهادینه کردن آژانس یا مرکزی برای پرداختن به یک چنین دعاوی و خواسته‌ها را دامن بزنند.
- ۳) ظهور مجدد دعاوی و خواسته‌ها توسط نیروهای اولیه (اقامه‌کنندگان) دعوی و یا گروه‌های دیگر، ابراز نارضایتی از رویه‌ها و مساعی صورت گرفته برای پرداختن به شرایط مورد نظر، مدیریت بوروکراتیک امور مربوط به شاکیان (مدعیان)، شکست و ناکامی در ایجاد یک شرایط اعتماد و اطمینان در رویه‌ها و فقدان همدلی برای شاکیان مسأله مورد نظر.
- ۴) فقدان پاسخ مناسب و یا کافی به تقاضاها، انتظارات و دعاوی شاکیان، و توسعه

فعالیت‌هایی برای ایجاد نهادهای جایگزین، موازی و یا مخالف در واکنش به رویه تثبیت شده مدیریت مسأله و یا شرایط مسأله‌دار (اسپکتور و کیتسوز، ۱۹۸۷؛ همچنین م.ش. قاضی طباطبایی و همکاران، ۱۳۸۵).

استراتژی‌های برساخت اجتماعی مسأله

به باور لاسکی (۲۰۰۳) انسان‌ها به دلیل پیچیدگی‌های موجود در جهان هستی، قادر به تجربه تمام‌عیار شرایط یا حالات آن نیستند و در آن بخشی هم که به طور مستقیم تجربه می‌کنند، به دلیل محدود بودن تجارب شخصی‌شان، تصورات مبتنی بر این تجارب عملی آن‌ها خیلی زیاد نخواهد بود. به همین دلیل، اغلب افراد، شرایط یک مسأله اجتماعی را به شکل بلافصل تجربه نمی‌کنند و آن شرایط بخشی از تجارب زیسته آن‌ها نخواهد بود. بنابراین، از نظر لاسکی، راه‌حل کلیدی فهم پیچیدگی‌های موجود در جهان بشری، زندگی اجتماعی، شرایط و افراد درگیر در این شرایط، استفاده از مقوله‌بندی‌ها و سنخ‌بندی‌های ذهنی^(۱) است، سنخ‌بندی‌هایی که از نظر اجتماعی و فرهنگی، برساخته می‌شوند.

با این حال، برساخت‌گرایان اجتماعی با برساخت خطی^(۲) مسائل و شرایط اجتماعی مخالف هستند. از نظر آن‌ها، شیوه‌های متعدد و گوناگونی برای برساخت یا تعریف شرایط به عنوان مسائل اجتماعی وجود دارد. اقامه‌کنندگان دعوی مجبورند بر "ابعاد یا جنبه‌های خاصی" از شرایط متمرکز باشند. آنها صرفاً نمی‌گویند که X یک مسأله است، بلکه آن را به عنوان مسأله از نوع / جنس خاصی مشخص (کواکتیوایز^(۳)) می‌کنند. حتی نام‌ها و عناوینی که آن‌ها به یک مسأله می‌دهند، می‌تواند موضع آن‌ها را نسبت به آن مسأله منعکس کند. نامیدن فقط یکی از شیوه‌هایی است که اقامه‌کنندگان دعوی از آن برای "سنخ‌بندی‌های اجتماعی" استفاده می‌کنند. سنخ‌بندی ماهیت یک مسأله اجتماعی می‌تواند اشکال متعددی به خود بگیرد. یکی از اشکال بسیار رایج سنخ‌بندی، ابراز "موضع یا سوگیری خاصی" نسبت به یک مسأله با طرح مباحثی از این دست است که "مسأله مورد نظر می‌تواند از دیدگاه و یا مدل

1- Categorization and Typification

2- Linear

3- Characterize

خاصی بهتر درک شود" (بست، ۱۹۹۵). برای مثال، اقامه‌کنندگان دعوی تصریح می‌کنند که X واقعاً مسأله‌ای خاص (ژنتیکی، اخلاقی، پزشکی، تغذیه‌ای، اجتماعی، جزایی، روانی، سیاسی و جز آن‌ها) است. در حقیقت هر یک از این مدل‌ها، بعد یا چهره متفاوتی از مسأله X را مورد تأکید قرار می‌دهد و به گونه متفاوتی آن را سبب‌شناسی^(۱) کرده و در نهایت راه‌حلی بر آن توصیه و تجویز می‌کند. نشان دادن و تبیین یک مسأله با استفاده از مثال‌های خاص، یکی دیگر از اشکال رایج در سنخ‌بندی مسائل اجتماعی است. غالباً این مثال‌ها و موارد خاص هستند که حس و نگرش ما را نسبت به مسائل اجتماعی شکل می‌دهند و اقامه‌کنندگان دعوی اغلب ترجیح می‌دهند از مثال‌های خاص برای جلب توجه و حمایت ما استفاده کنند. به طور خلاصه، سنخ‌بندی، بخش عمده‌ای از برساخت مسائل انسانی و اجتماعی است. اقامه‌کنندگان دعوی به ناچار مسائل را به شیوه‌های خاصی کاراکتریز می‌کنند و فقط برخی از ابعاد مسأله را مورد تأکید قرار می‌دهند، نه همه ابعاد و زوایای آن را؛ سوگیری و پارادایم خاصی را تصریح و ترویج می‌کنند؛ بر علل و مدل‌های علی خاصی تمرکز می‌کنند و در نهایت، از طرحواره‌ها^(۲) و خط‌مشی‌های خاصی برای مدیریت یا حل مسأله مورد نظر جانبداری می‌کنند (بست، ۱۹۹۵: ۲۰۰۸).

مسأله اجرای مهریه: رویکردی برساخت‌گرایانه

به نظر می‌رسد رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی به دلایل متعددی، از جمله توجه خاص به نحوه تعریف، نام‌گذاری^(۳) و شکل‌گیری مسائل اجتماعی، تلقی مسائل اجتماعی به عنوان نتیجه فعالیت‌های دسته‌جمعی شماری از افراد جامعه و درک مسائل اجتماعی در جریان کنش متقابل میان اقامه‌کنندگان دعاوی و مخاطبین آن‌ها و انعطاف‌پذیری بالای آن در برخورد با شرایط پیچیده زندگی اجتماعی و جهان‌های اخلاقی چندگانه و متعدد و حتی ستیزآمیز، از این قابلیت برخوردار است که در اکتشاف و تبیین فرایند شکل‌گیری موضوع اجرای مهریه، مؤثر واقع شود؛ موضوعی که اخیراً در جامعه معاصر ایران به مثابه شرایطی دشوار، مشکل‌زا، شایع،

گسترده و منفی بدل شده و به عنوان یک مسأله اجتماعی، ذهن بسیاری از شهروندان کشور را به خود مشغول کرده است و فراتر از آن، به موضوعی محوری در حوزه عمومی، بحث‌های کارشناسی و حتی رسانه‌های جمعی، بدل شده است. وانگهی، در زمین‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایران، امروزه این موضوع با مسأله دیگری به نام "از هم پاشیدگی خانواده‌های ایرانی" پیوند خورده است و با افزایش طرح آن از سوی زنان، حتی به موضوعی سیاسی نیز بدل شده است (طالبی اردکانی، ۱۳۸۶). این موضوع همچنین طیف وسیعی از جهت‌گیری‌های اخلاقی را دامن زده است، به طوری که در یک سوی این طیف ایجاد شده از جهان‌های اخلاقی متفاوت، گروهی از زنان، مردان و مطبوعات براساس طرفداری از نوعی اخلاقیات^(۱) برای طلبانه و دفاع از حقوق زنان با وجود چنین شرایط مشکل‌زایی برای زنان موافق بوده و به حمایت از آن می‌پردازند. گروهی در میانه این طیف قرار گرفته و با اعتقاد به نوعی اخلاقیات سنتی و نگاهی ایستا به خانواده با طرح چنین مسأله‌ای برای زنان به مثابه نوعی شرایط مشکل‌زا موافق بوده و زنان مساوات طلب را زنانه کامل و معتقد به نظام زناشویی نمی‌پندارند. در انتهای این طیف نیز آنانی قرار دارند که با طرح دعاوی رقیب و مخالفت‌برانگیز و بر مبنای نوعی اخلاقیات مردسالارانه یا حتی زن‌ستیزانه از طرح چنین موضوعی به عنوان مسأله‌ای اجتماعی یا شرایطی مشکل‌زا برای زنان مخالف بوده و به چنین زنانه‌انگ ناسازگاری زده و حتی پیامد چنین مسأله‌ای را نابودی خانواده‌ها در جامعه ایران می‌دانند (همان منبع).

به رغم فقدان اجماع نظر درباره ماهیت و موضوعیت مسأله اجرای مهریه در جامعه ایران، در سال‌های اخیر شاهد افزایش تقاضاهای مربوط به اجرای مهریه توسط زنان بوده‌ایم. این امر و به طور ناخودآگاه حرکتی نمایشی از زنان ترسیم کرده و هر یک از آنان را در مقام یک اقامه کننده دعوی و بازیگر بازمی مسأله اجتماعی اجرای مهریه قرار داده است؛ بازیگرانی که به نوبه خود توانسته‌اند با طرح دعاوی خود مبنی بر وجود یک شرایط مشکل‌زا یا مسأله‌دار، توجه حضار یا مخاطبین دعاوی را به خود مبنی بر وجود چنین شرایطی اگرچه لازم است، اما به تنهایی کافی نیست برای این که مسأله اجرای مهریه یا در برداشتن جهان‌های اخلاقی چندگانه و

حتی بعضاً مغایر، ناگزیر رقابت‌هایی را بر سر این که کدام یک از این جهان‌های اخلاقی، مهم‌ترند، برانگیخته است (همان منبع).

این مقاله با هدف بررسی فرایند برساخت اجتماعی مسأله اجرای مهریه، نحوه شکل‌گیری و سنخ‌بندی این مسأله در جامعه ایران را مورد توجه قرار داده است. این مقاله در میان بازیگران متعدد بازی یا کار مسأله اجتماعی اجرای مهریه در ایران، بر آن دسته از زنانی که با این موضوع درگیرند (آسیب‌دیدگان واقعی چنین شرایطی) متمرکز است. به طور مشخص، در این مقاله با توجه به قابلیت‌های خاص رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی در طرح پرسش‌های از جنس چگونگی و آشکارسازی فرایندهای دخیل در تعریف، سنخ‌بندی، شکل‌گیری و روایت یک مسأله اجتماعی و نمایان ساختن لایه‌ها و زوایای پنهان آن، نوع خاصی از این رویکرد نظری را که در بالا بحث شد و برای تحلیل مسأله اجرای مهریه در ایران و نیل به فهمی عمیق از ویژگی‌های زنان درگیر با آن و انگیزه‌های واقعی آنان از طرح مسأله و چگونگی فهم و روایت آنان از آن مسأله استفاده کرده است.

نگاهی به پیشینه پژوهشی موضوع نشان می‌دهد که بدنه دانش و پیشینه چندان گسترده و چند لایه‌ای درباره مسأله اجرای مهریه و دیگر موضوعات مرتبط با آن تولید نشده است. از جمله معدود مطالعات در کشور می‌توان به مطالعات و پژوهش‌های علی آزاد (۱۳۴۱)، میترا تهرانیان (۱۳۴۵)، توران گلغام (۱۳۴۵)، عابدین مومنی (۱۳۶۶)، کاظم فورمهرهند (۱۳۷۷)، هاشم آهنگری (۱۳۷۷)، منوچهر محسنی (۱۳۷۷)، محمد صادق مهدوی (۱۳۷۷)، حسین مهرپور (۱۳۷۹)، ام‌لیلا مهدی‌خانی (۱۳۸۳) و سمیه طالبی اردکانی (۱۳۸۶) اشاره نمود. بازنگری در نتایج حاصل از این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اکثر آن‌ها از حیث روش شناختی، اسنادی و توصیفی بوده و اطلاعاتی توصیفی از مفاهیم، تاریخچه، اقسام مهریه و قوانین مربوط به آن ارائه کرده‌اند. نکته شایان توجه در این قسمت آن است که اکثر این پژوهش‌ها رویکرد جامعه‌شناختی خاصی به مسأله اجرای مهریه و معانی و دلالت‌های اجتماعی و فرهنگی خاص آن در جامعه ایران اتخاذ نکرده‌اند و یا رویکردی عینی‌نگر به موضوع داشته و ماهیت مسأله‌دار آن در جامعه ایران را اتخاذ نکرده‌اند و یا رویکردی عینی‌نگر به موضوع داشته

و ماهیت مسأله‌دار آن در جامعه ایران را امری بدیهی دانسته‌اند^(۱). با توجه به چنین بدنه دانش و پیشینه پژوهشی درباره مسأله اجرای مهریه، به نظر می‌رسد که این مقاله برای اولین بار در کشور به برساخت اجتماعی و فرهنگی اجرای مهریه در میان زنان درگیر با این مسأله در زمینه اجتماعی شیراز می‌پردازد.

روش‌شناسی

با توجه به حساسیت موضوع مورد مطالعه و ضرورت مطالعه عمیق و همه‌جانبه آن، این مطالعه از نوعی رویکرد روش‌شناختی کیفی بهره می‌برد که بنا بر تصریح صاحب‌نظران در موارد یا موقعیت‌هایی از تحقیق که موضوع مورد مطالعه به شدت خصوصی است و یا تمایلیبه گزارش آن از سوی پاسخگو وجود ندارد، بسیار مؤثر و کارآمد است (بوگو، ۱۹۸۳ به نقل از رازقی، ۱۳۸۴).

به علاوه، جایی که موضوع به خوبی تعریف نشده و دامنه و توالی فعالیت‌های مربوط به موضوع مورد مطالعه، ناشناخته است و همچنین تجارب زیسته و فهم افراد درگیر با یک مسأله خاص اجتماعی در کانون توجه محقق است، از حیث روش‌شناختی، اتخاذ رویکردی کیفی ضروری است. دانا هاراوی^(۲) (۱۹۸۹) با نگاه معرفت‌شناختی فیمینیستی خود استدلال می‌کند که روش تحقیق کیفی از این جهت که به تبیین‌های داستان محور علاقه‌مند است، روش یا رویکرد پژوهشی مناسبی برای مطالعات فیمینیستی و یا مرتبط با زنان است. از این منظر، مجموعه دانش و معارف آدمی‌زاد و در واقع تمام جهان موجودات انسانی در قالب سازه‌های اجتماعی و برساخته شده از معانی که همانند نیروهای مادی کیفیت زندگی مردم را تعیین می‌کنند، خلاصه شده است. حقیقت نیز در بستر داستان‌ها و در درون آن‌هاست که معنی و مفهوم پیدا می‌کند؛ داستان‌هایی که محورهای اصلی آن را مقوله‌هایی چون جنس، طبقه، قدرت و تضاد میان انسان‌ها تشکیل داده و صحبت انسان‌ها با یکدیگر نیز حول محور چگونگی این داستان‌ها دور می‌زند (هاراوی، ۱۹۸۹).

بنابراین، از حیث روش‌شناختی، این پژوهش از نوع کیفی است. برخلاف رویکرد کمی که

در آن پژوهش، فرایندی عینی، صوری و سیستماتیک است که در آن داده‌های عددی برای کمی‌سازی پدیده‌ها و حصول به نتایج مورد نظر به کار می‌رود، پژوهش کیفی، رویکردی میان‌رشته‌ای، چند پارادایمی، چند روشی، تفسیری و طبیعت‌گرایانه است که امکان بررسی عمیق و معنی‌دار را از پدیده‌ها و فرایندهای اجتماعی فراهم می‌کند. پژوهش کیفی می‌تواند هرگونه واکاوی و تعمق در زندگی، تجربیات سپری شده، رفتارها، هیجانات و احساسات مردم را دربرگیرد. به‌کارگیری روش‌های کیفی به شخص این امکان را می‌دهد که بسیاری از ساحت‌های جهان اجتماعی و ماهیت برساخت‌گرایانه آنها از جمله تجربیات زندگی روزمره، کنش‌ها، برداشت‌ها و باورهای افراد مشارکت‌کننده و معنی و اهمیت شیوه‌های تأثیرگذار بر فرایندها، نهادها، گفتمان‌ها و روابط اجتماعی را درک کند (ریچاردز، ۲۰۰۵؛ همچنین م.س. ذکایی، ۱۳۸۱). در یک برداشت ساده، پژوهش کیفی، روش فهم و یادگیری درباره تجارب مختلف افراد از منظر و یا به روایت خود آنهاست. به‌طور خلاصه، داده‌های کیفی به منظور کشف و تفسیر و نیل به بینشی عمیق از معانی ذهنی که افراد به وقایع، موقعیت‌ها، فرایندها و ساختارهای زندگی اجتماعی خود قائل‌اند و ارتباط بالقوه‌ای که این معانی با جهان اجتماعی پیرامون دارند گردآوری یا به تعبیر لین ریچاردز ساخته می‌شوند (دنزین و لینکلن، ۲۰۰۴؛ ریچاردز، ۲۰۰۵). با اتخاذ رویکرد روش ذهنی که افراد به وقایع، موقعیت‌ها، فرایندها و ساختارهای زندگی اجتماعی خود قائل‌اند و ارتباط بالقوه‌ای که این معانی با جهان اجتماعی پیرامون دارند، گردآوری و یا به تعبیر لین ریچاردز^(۱) ساخته می‌شوند (دنزین و لینکلن، ۲۰۰۴؛ ریچاردز، ۲۰۰۵) با اتخاذ رویکرد روش‌شناختی مشابهی، این مقاله در پی فهم و تحلیل این امر است که چگونه زنان درگیر با مسأله اجرای مهریه، ماهیت و ویژگی‌های آن را می‌فهمند؛ چه معانی ذهنی بر آن قائل هستند و چگونه تجارب زیسته خود را روایت می‌کنند.

۱- با توجه به ماهیت تعاملی و فرایندی پژوهش‌های کیفی لین ریچاردز (Lyn Richards) پیشنهاد می‌کند که در این پژوهش‌ها مناسب است به جای "گردآوری داده‌ها" (Data Gathering) از "ساخت یا خلق داده‌ها" (Data Making) استفاده شود (ریچاردز، ۲۰۰۵).

نمونه و مشخصات آن

به طور بالقوه، جامعه هدف این مطالعه کلیه زنانی است که با انگیزه به اجرا گذاردن مهریه‌های خود به دادگاه خانواده شهر شیراز مراجعه کرده و تشکیل پرونده داده‌اند و در عمل با مسأله اجرای مهریه درگیر هستند. از جامعه هدف این مطالعه، ۲۶ زن درگیر با مسأله انتخاب شده است که فهرست و ویژگی‌های آن‌ها در جدول ۱ آمده است. گفتنی است که انتخاب و جذب این افراد به طور غیراحتمالی (کیفی) صورت گرفته است. این مرحله در اثنای حضور پژوهشگر در محیط پژوهش^(۱) و از میان زنانی صورت گرفته است که به دادگاه خانواده شه شیراز مراجعه نموده و مراحل قانونی اجرای مهریه خود را دنبال می‌کردند. در باب ملاک‌های انتخاب مصاحبه شوندگان (مشارکت کنندگان) نیز فقط به این موضوع بسنده شد که مصاحبه شوندگان دارای پرونده مهریه در یکی از شعب دادگاه خانواده بوده و مایل به مشارکت در پژوهش باشند.

جدول ۱- فهرست و مشخصات (Face Sheet) زنان مشارکت‌کننده در پژوهش

پاسخگو	نام	تحصیلات	تحصیلات	سن	سن	اختلاف	سن	تعداد	مدت	میزان مهریه
	مستعار	پاسخگو	شوهر	پاسخگو	سنی	ازدواج	فرزند	مراجعه به دادگاه	به نرخ روز	(به میلیون ریال)
۱	مهین	دیپلم	سیکل	۲۹	۰	۲۴	۰	۲ ماه	۱۱۰	
۲	معصومه	ابتدایی	سیکل	۲۷	۲	۲۰	۱	۴ سال	۲۰۰	
۳	اعظم	دیپلم	دیپلم	۲۲	۶	۱۷	۰	۳ ماه	۱۷۰۰	
۴	رویا	دیپلم	دیپلم	۲۲	۹	۱۹	۰	کمتر از یک ماه	۸۰۰	
۵	نسرین	راهنمایی	دیپلم	۳۷	۲۳	۲۷	۴	۲ سال	۸۰	
۶	الهه	فوق دیپلم	دیپلم	۲۲	۷	۲۲	۰	یک هفته	۱۵۰۰	
۷	راضیه	راهنمایی	راهنمایی	۳۹	۱۴	۲۲	۴	۵ سال	۲۵۰	

ادامه جدول ۱

۱۲۰	یک سال	۳	۱۶	۱۶	۳۲	راهنمایی	دیپلم	سپیده	۸
۲۰۰۰	۹ ماه	۰	۱۶	۱۸	۱۸	راهنمایی	دیپلم	لیلا	۹
۱۰۰	۱۸ ماه	۱	۲۶	۸	۴۲	بی‌سواد	ابتدایی	فاطمه	۱۰
۶۰۰	یک سال	ناپارور	۱۷	۷	۲۳	راهنمایی	راهنمایی	طیبه	۱۱
۸۰۰	۲ سال	۲	۲۰	۲	۳۰	دیپلم	دیپلم	زهرا	۱۲
۱۳۰۰	۳ ماه	۲	۱۸	۵	۳۴	دکترا	لیسانس	فریبا	۱۳
۱۲۰۰	۲۲ ماه	۰	۲۱	۱	۲۶	راهنمایی	راهنمایی	شهرزاد	۱۴
۴۵۰	۲ سال	۱	۱۸	۱۰	۳۳	راهنمایی	دیپلم	زهرا	۱۵
۸۰۰	۲ ماه	۱	۱۶	۴	۱۸	راهنمایی	دیپلم	پریا	۱۶
۴۰۰	۴ سال	۲	۱۸	۸	۳۶	دیپلم	فوق‌دیپلم	شهره	۱۷
۵۰۰	یک سال	۳	۲۰	۸	۳۶	لیسانس	دیپلم	مریم	۱۸
۴۰۰	یک سال	۲	۱۴	۶	۲۴	ابتدایی	راهنمایی	زهرا	۱۹
۵۰۰	۴ ماه	۱	۱۶	۱۰	۲۵	راهنمایی	متوسطه	فاطمه	۲۰
۲۳۰	-	۲	-	۱۱	۳۳	دیپلم	راهنمایی	ماندانا	۲۱
۲۵۰۰	یک سال	-	۱۸	۵	۲۰	لیسانس	دیپلم	متا	۲۲
۱۹۰	۶ ماه	-	۱۵	۱۲	۱۵	بی‌سواد	راهنمایی	آسپه	۲۳
۱۲۰	یک سال	ناپارور	۱۴	۱۱	۳۷	فوق‌دیپلم	سیکل	زیبا	۲۴
۴۵۰	۲ ماه	۱	۱۹	۰	۲۲	ابتدایی	راهنمایی	آرزو	۲۵
۱۳۰	۲ ماه	۱	۲۶	۵	۴۸	دیپلم	دیپلم	مهناز	۲۶

استراتژی مدیریت و تحلیل داده‌ها

برخلاف پژوهش‌های کمی که به سادگی می‌توان رویه‌ها و مراحل آن را از هم تفکیک کرد و تحلیل داده‌ها مرحله مستقلی از فرایند گردآوری آن‌هاست، در پژوهش‌های کیفی به ویژه در

روش "نظریه بنیانی"^(۱) (GT) مرزبندی شفافی بین مراحل پژوهش وجود ندارد و ما با مراحل و رویه‌هایی یکپارچه‌ای سروکار داریم. به عبارت ساده‌تر، در پژوهش کیفی، تحلیل داده‌ها فرایندی چند مرحله‌ای و مستمر است که دست با فرایند گردآوری داده شروع می‌شود (گلیزر و اشتراوس، ۱۹۶۷؛ اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). حتی برخی نظیر "جوزف مکسول"^(۲) فراتر از این می‌روند و بر این نکته تأکید می‌کنند که تحلیل داده‌ها بخش مهمی از طرح پژوهشی اولیه است، چرا که هر مطالعه کیفی نیازمند تصمیماتی درباره چگونگی انجام تحلیل داده‌ست. بنابراین، پژوهشگر بایست تحلیل داده‌ها را بلافاصله بعد از اولین مصاحبه انجام دهد و آن را در طول مدتی که پژوهش انجام می‌شود، ادامه دهد. این کار به وی کمک می‌کند تا با تمرکز و انسجام بیشتری مصاحبه‌های پیش روی را انجام دهد و ارتباط بهتری بین داده‌های گردآوری شده و پرسش‌های اصلی پژوهش برقرار کند (مکسول، ۱۹۹۸). از سوی دیگر، با توجه به ماهیت داده‌های کیفی که بیشتر به شکل متن، کلمات و عبارات‌های نوشتاری و مبتنی بر زمینه^(۳) هستند و یا نمادهایی که مردم، کنش‌ها و وقایع زندگی اجتماعی را توصیف می‌کنند، این داده‌ها می‌توانند حامل بیش از یک معنی باشند و بر خلاف تحلیل داده‌ها کمی، تحلیل این داده‌ها کمتر حالت استانداردیزه داشته و تنوع قابل ملاحظه‌ای در کاربریست فرایند تحلیل داده‌های کیفی وجود دارد.

این مقاله به مانند کاربران صرف "نظریه بنیانی" در پی کشف نظریه از داده‌ها و کاربرد صرف روش‌های داده‌کاوی^(۴) و استقرایی نیست، بلکه به عنوان پژوهشی نظریه محور،^(۵) فرضیه‌ها و مضامینی را مطرح و مورد بررسی قرار داده و به طور مشخص، با الهام از لین ریچاردز (۲۰۰۵) نوع جدیدی از کدگذاری کیفی را به کار گرفته است. ریچاردز سه شیوه کدگذاری متمایز در پروژه‌های کیفی مشخص کرده است: توصیفی،^(۶) موضوعی^(۷) و تحلیلی.^(۸) ریچاردز معتقد است در اکثر مطالعات کیفی، هر سه شیوه کدگذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ هر چند به اشکال متنوع و معطوف به هدف یا اهدافی خاص. از نظر وی، "کدگذاری همیشه باید

1- Grounded Theory

3- Context-based

5- Theory-oriented

7- Topic Coding

2- Maxwell, Joseph A.

4- Data Mining

6- Descriptive Coding

8- Analytical Coding

معطوف به هدفی باشد که هرگز فی‌نفسه، هدف نیست" (ریچاردز، ۲۰۰۵: ۸۷).

کدگذاری توصیفی: این شیوه کدگذاری که در تحلیل داده‌های کیفی بسیار رایج است، حاوی اطلاعاتی درباره مشخصات و خصیصه‌های مربوط به مشاهدات یا موارد مورد مطالعه (نظیر پاسخگویان، مصاحبه شوندگان، و یا سازمان‌ها) است که کم و بیش برای هر پروژه کیفی لازم است.

کدگذاری موضوعی: این نوع کدگذاری چیزی نیست جز عنوان‌گذاری متنی بر اساس موضوع آن. در واقع، این شیوه کدگذاری به این امر می‌پردازد که چه موضوعاتی در متن، گفته‌ها (نقل قول‌ها) یا روایت‌ها بحث شده است. به عبارت ساده، این شیوه کدگذاری، یعنی پاسخ به این پرسش که بحث یا گفته X درباره چیست.

کدگذاری تحلیلی: این شیوه کدگذاری، در مطالعات کیفی دارای نقش محوری است. این نوع کدگذاری می‌تواند پژوهشگر کیفی را به ظهور نظریه و یا تصدیق نظریه‌ای رهنمون کند. در واقع، کدگذاری تحلیلی بر ماهیت تفسیری پژوهش کیفی و تأمل پژوهشگر کیفی بر معانی مباحث، وقایع و تجربه‌ها تأکید می‌کند. نکته‌ای که باید در این نوع کدگذاری مورد توجه قرار گیرد این است: "این که ما دنبال چه معنایی می‌گردیم، کاملاً به سؤال و روش پروژه کیفی بستگی دارد" (ریچاردز، ۲۰۰۵: ۱۵).

با الهام از ریچاردز (۲۰۰۵)، در این مقاله از گفته‌های مستقیم^(۱) و روایت‌های^(۲) زنان درگیر با مسأله اجرای مهریه برای حمایت و تأیید مضامین، مقوله‌ها و مباحث مستخرج از داده‌های کیفی و یا یافته‌های اصلی پژوهش استفاده شده است. در این رویکرد، گفته‌های مستقیم یا روایت‌های زنان درگیر با مسأله اجرای مهریه در واقع برای نشان دادن معانی داده‌های گردآوری شده از آنان به کار رفته است. همان‌طور که بورلی هنکاک^(۳) (۲۰۰۲) تصریح کرده است در تحلیل داده‌های کیفی "گفته‌های مستقیم با توجه به این که نمونه‌های خوبی از آن چه مردم به طور مشخص درباره مقوله یا موضوع مورد نظر می‌گویند، باید مورد استفاده و استناد قرار گیرند" (ص ۲۲). او حتی پا را فراتر از این می‌گذارد و تصریح می‌کند که در یک پژوهش کیفی

“گزینش دقیق و ماهرانه گفته‌ها یا نقل قول‌های مستقیم در واقع اعتبار و روایی تحلیل داده‌ها را نشان می‌دهد” (ص ۲۳).

نحوه ورود به میدان تحقیق و محدودیت‌های مربوط به آن

با توجه به ویژگی‌های خاص محیط پژوهشی (دادگستری شیراز) و محدودیت‌های موجود در آن، جذب و انتخاب نمونه‌های تحقیق با سختی‌های بسیاری همراه بود. از این رو، پژوهشگر در نقش یک مراجعه کننده عادی پس از گذراندن مراحل امنیتی و حفاظتی عمومی، به محیط دادگاه وارد شد و مراحل نمونه‌گیری کیفی را آغاز کرد. چهار نمونه مصاحبه اول به عنوان مطالعه مقدماتی در نظر گرفته شد و بر اساس مضامین و مقوله‌های اصلی موجود در این چهار مصاحبه، یک راهنمای مصاحبه یا مصاحبه نامه^(۱) با چندین محور، مشخص و بر اساس آن، پرسش‌هایی تعیین شد. هر کدام از مصاحبه‌ها پس از اطمینان بخشیدن به مصاحبه شوندگان در جهت محرمانه بودن اطلاعات^(۲) و ذکر نشدن نام واقعی آن‌ها انجام شد. از حیث اخلاقی، مصاحبه شوندگان برای شروع و ادامه همکاری و مشارکت در مصاحبه کاملاً آزاد بودند و مجاز بودند در هر زمان و در صورت عدم تمایل به ادامه مصاحبه، از ادامه آن کناره‌گیری کنند. در مورد ترتیب پرسش‌های مصاحبه نیز سعی شد تا موقعیت و شرایط مصاحبه شوندگان در نظر گرفته شود و در مورد کسانی که قادر به برقراری ارتباط قوی‌تری بوده و در میان صحبت‌های خود به تمام پرسش‌های مصاحبه پاسخ می‌دادند، با انعطاف بیشتری برخورد شود و در پایان آن دسته از پرسش‌هایی که در طول مصاحبه پاسخی دریافت نکرده بودند، مورد پرسش قرار گیرد. همچنین سعی شد آن دسته از پرسش‌هایی را که از حساسیت بیشتری برخوردار بوده و صحبت کردن درباره آن‌ها در بدو مصاحبه منجر به دریافت پاسخ صحیح و صریح نمی‌شود، در آخر مصاحبه و زمانی که در مصاحبه‌شونده‌ها احساس نزدیکی و صمیمیت بیش‌تری یا محقق ایجاد می‌شود، مورد سؤال قرار گیرد. از نظر زمانی، هر کدام از مصاحبه‌ها مدت زمانی در حدود یک تا دو ساعت را به خود اختصاص داد. در مواردی نیز که احساس عدم اطمینان کمتری نسبت به اهداف مصاحبه در ذهن افراد مصاحبه شونده

وجود داشت، مدت زمان بیشتری صرف جلب اطمینان آن‌ها می‌شد. گفتنی است که تمامی مصاحبه‌ها با کسب رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط شده و هیچ کدام از زنان مصاحبه شونده در این زمینه حساسیت زیادی از خود نشان نداده و با تیم پژوهشی همکاری کاملی داشتند.

یافته‌ها و مضامین اصلی پژوهش

در راستای تحقق اهداف پژوهش حاضر و دستیابی به فهم صحیحی از نحوه برساخت مسأله اجرای مهریه و کشف لایه‌های پنهان آن، مضامین و مقوله‌های اصلی موضوع استخراج شده است که در حقیقت حاصل مطالعه و مقایسه‌های متعدد تجارب زیسته، داستان‌ها و روایت‌های توصیفی زنان درگیر با مسأله است. این مضامین و مقوله‌ها نه فقط ما را در فهم جوانب مختلف این واقعه و محوری‌ترین عوامل زمینه‌ساز آن رهنمون می‌سازد، بلکه خط داستانی مسأله را از منظر افراد درگیر با آن نمایان می‌سازد. برای نیل برای نیل به چنین داستانی، ابتدا فهم زنان درگیر با مسأله، از مهمترین انگیزه‌های خود در به اجرا گذاردن مهریه‌های خود بیان می‌شود و در ادامه، یک خط داستانی و چکیده‌ای از مجموعه روایت‌ها و تجربیات زیسته آنان ارائه می‌گردد.

یافته‌های به دست آمده از تحقیق میدانی نشان می‌دهد که زنان شیرازی درگیر با مسأله اجرای مهریه، انگیزه‌های متنوع و نسبتاً ناهمگونی را برای اقدام به اجرا گذاشتن مهریه خود توصیف و روایت کرده‌اند.

اجرای مهریه با انگیزه انتقام از همسر

اجرای مهریه با انگیزه انتقام از همسر، یکی از محوری‌ترین و بارزترین انگیزه‌های اظهار شده از سوی تعداد نسبتاً زیادی از زنان درگیر با مسأله اجرای مهریه است. همچنین، یافته‌های تحقیق حاکی از فهم بسیار مثبت تعداد نسبتاً زیادی از زنان مصاحبه شونده، از چنین مضمونی است. خانمی ۳۴ ساله، لیسانس پرستاری، با چهره‌ای زیبا و جذاب که در سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده و دارای دو فرزند است، درحالی که بسیار خشمگین و نگران به نظر می‌رسد، انگیزه اصلی خود را از به اجرا گذاشتن مهریه‌اش چنین بیان می‌کند:

«مهریه‌ام را اجرا گذاشتم، برای انتقام جویی، می‌خوام ازش انتقام بگیرم. شاید باورتون نشده،

اصلاً پول مهریه‌ام برام مهم نیست، ناراحتی من بیشتر از اینه که چرا مهریه‌ام مبلغش خیلی زیاد نیست، چون اون طوری می‌تونستم بیشتر از اینا حالشو بگیرم، عصبانی‌اش کنم و حرص‌اش رو در بیاورم» (پاسخگوی ۱۳).

خانم ۲۵ ساله دیگری که مهمترین انگیزه خود را از به اجرا گذاردن مهریه‌اش، انتقام از همسرش می‌داند و ادعا می‌کند که فرزندش را به علت خساست همسرش در درمان او از دست داده است، هدف خود از به اجرا گذاشتن مهریه‌اش را با تحولات مربوط به دوران زندگی مشترک خود پیوند می‌زند. روایت او چنین است:

«راستش رو بخواید، مهریه‌ام رو گذاشتم اجرا، برای این که از شوهرم انتقام بگیرم. برای این که هیچ وقت خرج بچهام نکرد، نه برای مدرسه‌اش و نه برای عمل قلبش. جلوی چشم خودم به بچهام گفتم: باید بمیری، من هم حالا می‌خواهم انتقام این کارهاش رو ازش بگیرم. ازش متنفرم. می‌گه پشیمونم و عذاب وجدان دارم، ولی دیگه فایده‌ای نداره» (پاسخگوی ۲۳).

اجرای مهریه با انگیزه انتقام از خانواده همسر

تعدادی دیگری از زنان درگیر با مسأله اجرای مهریه، انتقام از خانواده همسر را به‌عنوان محوری‌ترین انگیزه خود از به اجرا گذاردن مهریه‌ها پشان عنوان کرده‌اند و بر اساس اظهارات خود، فهم بسیار مثبتی از این مضمون بیان کرده‌اند. این گروه از زنان در ارزیابی‌های خود از همسرانشان، آن‌ها را مردانی فاقد استقلال رأی و توانایی تصمیم‌گیری در مورد مسائل خانواده قلمداد کرده و مداخله‌های مکرر خانواده همسر خود و به‌خصوص مادران آن‌ها را مهمترین عامل متلاشی شدن زندگی مشترکشان قلمداد کرده و از این مسأله به شدت رنج می‌بردند.

خانمی ۱۸ ساله که تا مقطع اول دبیرستان تحصیل کرده است و پس از چهار سال زندگی مشترک، داری یک فرزند است و به شدت از ویژگی‌های اخلاقی خانواده همسرش گلایه دارد، معتقد است ادامه زندگی با شوهر خود و خانواده‌اش برای فرزندش خطرناک است؛ برای این که فرزندش نیز ممکن است با زندگی در کنار این خانواده به فردی منحرف و بزهکار بدل شود. این زن جوان انگیزه خود از به اجرا گذاردن مهریه‌اش را با این کلمات بیان می‌کند:

«من به خاطر تهمت‌ها و حرف‌هایی که بهم زدند، مهریه‌ام رو به اجرا گذاشتم و اعتیاد شوهرم

آخر همه بود. اصلاً من از خدام بود که معتاد باشه و کاری به کارم نداشته باشه، شاید هم، اگه ایرادش فقط اعتیادش بود، اصلاً ازش جدا نمی‌شدم. بیشتر به خاطر بی‌حرمتی‌هایی که بهم کردن و تهمت‌هایی که بهم زدن، مهریه‌ام رو گذاشتم اجرا، تا بتونم از شون انتقام بگیرم. به چیزهای دیگه هم فکر نمی‌کنم. بچه‌ام رو هم اگه دادن که دادن، ندادن هم خیلی مهم نیست. تصمیم گرفتم این قدر اذیتشون کنم تا حسابی خسته شن. این جووری انتقام رو از شون می‌گیرم» (پاسخگوی ۱۶).

همچنین، خانم ۲۲ ساله‌ای روایت مشابهی مطرح کرده است. او که بنا به اظهارات خود، اهل روستایی در نزدیکی شیراز است و چند سالی است که به همراه خانواده خود ساکن شهر شیراز شده است و در حال حاضر در یکی از مناطق بسیار پایین شهر شیراز زندگی می‌کند و نسبت بسیار نزدیکی با همسر خود دارد، مهمترین انگیزه خود از به اجرا گذاردن مهریه‌اش را این‌گونه توصیف می‌کند:

«حقیقتش، من می‌خوام با این کارم از مادرم و خواهرهای شوهرم انتقام بگیرم. دوست دارم بندها مشون زندون. دلم می‌خواهد شوهرم رو پشت میله‌های زندون بینم. پول مهریه‌ام هم، اصلاً برام هیچ اهمیتی نداره. من طلاقم رو می‌خوام. دیگه از این زندگی خسته شدم و به این جام رسیده. می‌خوام طلاقم رو بگیرم. مطمئنم که می‌تونم. از هر راهی که شده. همین حالا هم، سه تا پرونده از شوهرم دارم، یکی تو دادسرای انقلاب به خاطر سرزبازی‌اش، یکی به خاطر مهریه‌ام، یکی هم به خاطر دزدی‌هایی که با دوستانش کرده. از این راه‌ها می‌تونم طلاقم رو بگیرم. با اجرای مهریه‌ام هم می‌خوامش حالشون رو بگیرم» (پاسخگوی ۲۵).

اجرای مهریه با انگیزه ایجاد مصالحه برای طلاق

اجرای مهریه با انگیزه فراهم نمودن زمینه‌ای برای جدایی از همسر و ترک زندگی خانوادگی، یکی دیگر از مضامین مطرح شده از سوی تعداد نسبتاً چشمگیری از زنان درگیر با مسأله اجرای مهریه است. این گروه از زنان که دارای فهم بسیار مثبتی از رابطه این مضمون و به اجرا گذاشتن مهریه‌های خود هستند، در ارزیابی‌های خود از این مضمون، مهریه را تنها ابزار موجود برای گرفتن طلاق دانسته و معتقدند که با توجه به قوانین موجود کشور در خصوص متارکه و طلاق و اتمسفر حاکم در دادگاه‌های خانواده، مهریه تنها ابزاری است که با آن می‌توان تقاضای طلاق را در دادگاه مطرح کرد. از نظر این گروه از زنان، مهریه در ایران معاصر، به هیچ روی کارکرد مالی

نداشته و زنان ایرانی حتی در صورت تمایل خود نیز قادر به دریافت مهریه‌هاشان نخواهند بود. در نتیجه، مهریه به جای ایفای نقشی اقتصادی برای زنان ناراضی از زندگی زناشویی، به ابزاری نسبتاً کارا برای جدایی و گرفتن طلاق بدل شده است.

خانم ۲۴ ساله ای که تا مقطع راهنمایی درس خوانده و در سن ۱۴ سالگی ازدواج کرده است و مادر دو فرزند است، انگیزه خود را از طلاق و به اجرا گذاردن مهریه چنین بیان می‌کند: «من فقط می‌خوام طلاقم رو بگیرم، چون شوهرم اونیه که می‌خواستم نیست، چون حرف‌هایی که نباید زده می‌شده، زده شده و کارهایی که نباید انجام می‌شده، انجام شده. چون جاهایی که نباید می‌رفتم، رفتم و دیگه نمی‌تونم به این زندگی برگردم. من فقط مهریه‌ام رو اجرا گذاشتم که بتونم طلاقم رو بگیرم، هر چند، اگه مهریه‌ام رو هم می‌خواستم شوهرم نداشت که بده» (پاسخگوی ۱۹). این زن داوطلب طلاق در حالی که نگاه عمیقش را به چشمان مصاحبه‌گر می‌دوزد، در ادامه چنین می‌گوید: «من باید طلاقم رو بگیرم، چون به شدت تحت فشار هستم. من شوهرم رو دوست ندارم و خیلی وقته که پای کسی دیگه‌ای در می‌ونه، من می‌خوام زودتر از این وضع رها شم و برم با اونیه که دوستش دارم، به زندگی جدید و دوست داشتنی رو شروع کنم. پول مهریه‌ام هم هیچ اهمیتی برام نداره» (همان پاسخگو)

خانم ۱۸ ساله دیگری که به تازگی توانسته بود در ازای بخشش بخشی از مهریه‌اش از همسر ۳۶ ساله خود جدا شود، انگیزه اصلی خود در به اجرا گذاردن مهریه‌اش را این گونه بیان می‌کند: «من فقط می‌خواستم با این کارم، شوهرم رو بترسونم و زودتر طلاقم را بگیرم که موفق هم شدم. من به همون راحتی که به عقدش درآمدم به همون راحتی هم ازش جدا شدم. به پول مهریه‌ام هم، اصلاً فکر نمی‌کردم، چون خودم از هر چیزی مهم‌تر بودم، از پول از مهریه و از همه چیزهای دیگه» (پاسخگوی ۹).

نکته ضروری و شایان توجه آن است که اجرای مهریه با انگیزه ایجاد مصالحه برای طلاق، یکی از فراوان‌ترین و محوری‌ترین مضامین مطرح شده از سوی شمار چشمگیری از زنان درگیر با مسأله اجرای مهریه است؛ به طوری که در بیشتر موارد، این مضمون به عنوان یکی از محوری‌تری و در ماردی، حتی به مثابه عمده‌ترین انگیزه فرد از اجرای مهریه اظهار می‌شود. به علاوه، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد آن دسته از زنانی که اجرای مهریه‌های خود را ابزاری برای دریافت طلاق قرار می‌دهند، فقط در ازای بخشش کل مهریه و یا بخش قابل توجهی از آن قادر

به رسیدن به چنین هدفی هستند.

اجرای مهریه با انگیزه تأمین نیازهای اقتصادی

اجرای مهریه با انگیزه تأمین نیازهای اقتصادی و ایجاد یک پشتوانه مالی و اقتصادی، از دیگر مضامین مطرح شده توسط شمار نسبتاً زیادی از زنان درگیر با مسأله اجرای مهریه است. این گروه از زنان در اظهارات خود، به این نکته اشاره کردند که تحقق چنین هدفی، به نوبه خود، آن‌ها را نسبت به ادامه زندگی امیدوارتر و توانمندتر کرده است. خانمی ۴۲ ساله که بسیار ساده‌پوش به نظر می‌رسید و باگوشی خاص سخن می‌گفت، انگیزه‌های اقتصادی را بسیار مهم می‌داند. نگاه‌ی به سرگذشت زندگی این زن نشان می‌دهد که او ۱۶ سال پیش به علت نازایی از همسر اول خود جدا شده و در حال حاضر همسر سوم مردی است که به تازگی برای چهارمین بار نیز ازدواج نموده است و چند سالی است که به اتفاق همسر چهارمش زندگی می‌کند. زنی با این پیشینه و تجارب زیسته، انگیزه اصلی خود از به اجرا گذاشتن مهریه و گرفتن طلاق را اقتصادی می‌داند. او در این باره می‌گوید:

«من مهریه رو به خاطر فقر مالی به خاطر بدبختی‌ام، به خاطر این که هیچ راه دیگه‌ای ندارم، نه پدری، نه برادری که پشتوانه‌ام باشه، به خاطر نیازهای مالی‌ام، به اجرا گذاشتم. اصلاً هم به انتقام و این جور چیزها فکر نمی‌کنم. همش می‌گم بالاخره یه روزی تو اون دنیا به هم می‌رسیم. حتی من به خاطر زندانی شدنش در عذابم، ولی خوب چی‌کار می‌تونم بکنم. مطمئن باشید من اگه یه راه درآمدی، چیزی داشتم، هیچی ازش نمی‌گرفتم تا خدا خودش ازش انتقام بگیره، ولی الان که هیچ راه درآمدی ندارم و یه دختر هم رو دستم مونده، چی کار می‌تونم بکنم» (پاسخگوی ۱۰).

خانمی ۳۷ ساله یکی دیگر از زنانی است که به منظور تأمین نیازهای اقتصادی خود اقدام به اجرای مهریه‌اش نموده است. او که در دوران کودکی پدر و مادر خود را از دست داده، در سن ۱۳ سالگی ازدواج نموده و پس از ۱۳ سال زندگی مشترک از همسر اولش جدا شده و مدتی بعد به توصیه خواهران خود و به منظور تأمین نیازهای اقتصادی با همسر دوم خود که تقریباً ۲۳ سال از او بزرگتر بوده، ازدواج نموده و در حال حاضر چند سالی از فوت همسر دومش نیز می‌گذرد. او نمونه بارز زنانی است که فهم بسیار مثبتی از این مضمون دارد. او روایت خود را چنین مطرح می‌کند:

«می‌دونید، من به خاطر مشکلات خیلی زیادی که دارم، مهریه‌ام را به اجرا گذاشتم. من مهریه‌ام رو می‌خوام و بهش احتیاج دارم، برای اینکه بتونم یه سرپناهی برای خودم فراهم کنم و فکر می‌کنم که مهریه من حق منه. وقتی من بچه‌های شوهر دومم رو مثل بچه‌های خودم بزرگ کردم و حالا بعد از این همه سال به من می‌گن ما نمی‌تونیم تو رو تحمل کنیم و باید از پیش ما بروی، به نظرتون من باید چی کار کنم. کجا رو دارم که برم. رفتم یه خونه‌ای اجاره کنم، بهم می‌گن، سه میلیون با ماهی صد و پنجاه هزار تومان. خب به نظرتون با این اوضاع و احوال ناچور جامعه ما که هر جا هم می‌ری دنبال کار، می‌گن اول باید با ما باشی، بعدا کار، من باید چی کار کنم. مشکل اصلی من اینه که یه زن تنهام که نه سرپناهی دارم و نه پشتوانه‌ای» (پاسخگوی * ۵).

در نقل قول دیگری از خانمی ۳۹ ساله، همین مضمون به شکلی دیگر بیان شده است. او که مادر ۴ فرزند است و بنا به اظهارات خود سال‌های زیادی است که به علت اعتیاد همسرش و به منظور رفع نیازهای اقتصادی خود به ارائه خدمات خانگی مشغول است، انگیزه خود از به اجرا گذاشتن مهریه‌اش را چنین توصیف می‌کند:

«مهریه‌ام رو گذاشتمم اجرا که بتونم با پولش سرپناهی برای دو تا دخترم فراهم کنم. فقط اندازه پول رهن یه خونه، همین و بس! باور کنید دیگه از این وضع زندگی و کارگری کردن توی خونه‌های مردم برای روزی سه هزار تومان واقعاً خسته شدم. دلم می‌خواهد یه شرایطی فراهم می‌شد که دیگه مجبور نباشم سر کار برم و تو خونه بمونم و مواظب بچه‌هام باشم، ولی حیف که نمی‌شه. کاش حداقل اندازه پول رهن یه خونه‌ای گیرم می‌یومد. به شوهرم که امیدی ندارم گفتم حداقل این طوری پدر شوهرم یه تکیه می‌خوره ولی انگار هیچ تأثیری نداشت» (پاسخگوی ۷).

خانمی ۳۳ ساله از دیگر افرادی است که با انگیزه تأمین پشتوانه‌ای اقتصادی اقدام به اجرای مهریه خود نموده است. او می‌گوید که پس از گذشت ۱۹ سال زندگی مشترک با همسرش مدتی است که از او جدا شده است و در حال حاضر سرپرستی فرزندان خود را به عهده گرفته است. او می‌گوید که به منظور تأمین نیازهای اقتصادی خانواده خود به شغل رانندگی سرویس مدارس مشغول است. این خانم میان سال انگیزه اصلی خود از به اجرا گذاشتن مهریه را چنین روایت می‌کند:

«اون اوایل زیاد مهریه‌ام برام مهم نبود، ولی بعداً که اطرافیانم من رو تشویق کردن و بهم گفتن که به آینده خود و بچه‌ها فکر کن و مهریه‌ات رو بگیر، بهش نیاز پیدا می‌کنی، تصمیم گرفتم مهریه‌ام

رو اجرا بگذارم. البته، خودم هم که فکرش رو کردم، دیدم راست می‌گن. پسر من فردا، پس فردا می‌خواد بره دانشگاه و هزار جور خرج و مخارج داره، منم که چیزی ندارم پس بهتره مهریه‌ام رو بگیرم و یه پس‌اندازی برای آینده بچه‌هام فراهم کنم» (پاسخگوی ۲۱).

این مشارکت‌کننده در ادامه چنین نتیجه می‌گیرد:

«این بود که تصمیم گرفتم، مهریه‌ام رو بگیرم. اگرچه هنوزم که هنوزه دلم براش می‌سوزه و به زندانی شدنش راضی نیستم بهش هم گفتم که به ماهی پنجاه هزار تومن هم راضی هستم که البته همین رو هم نداره که بده چون تا اونجایی که من می‌دونم در حال حاضر بیکاره و رفته ور دل مامانش تو خونه نشسته» (همان پاسخگو).

خانم ۳۷ ساله دیگری انگیزه مشابهی از به اجرا گذاشتن مهریه ابراز کرده است. او که بنا بر اظهارات خود، ۲۱ سال پیش ازدواج نموده است و همسرش چند سالی است که به علت ناباروری (نازایی)، او را رها نموده و ازدواج مجدد کرده است. روایت او در این باره چنین است: «اون اوایل مهریه‌ام رو گذاشتم اجرا که بتونم طلاقم رو بگیرم، چون خیلی از دست شوهرم ناراحت بودم. قصد اصلی‌ام هم فقط همین بود. ولی بعدها که دیدم به هیچ‌وجه حاضر نیست در حق من گذشت کنه و توی این مدت حتی یه ریال خرجی هم بهم نداده و حاضر نیست که تکلیف زندگی‌ام رو روشن کنه، تصمیم گرفتم حقم رو ازش بگیرم. حالا هم اصلا به فکر انتقام گرفتن ازش نیستم. فقط حقم رو می‌خوام و اون هم باید حق من رو بهم بده. وظیفه‌اش هست که مهریه من رو بهم بده. آخه شما بگید، من یه زن تنها که نه پدری دارم و نه کس و کار دیگه‌ای، اونم توی این جامعه امروزی که کسی به کسی نه خونه مجانی می‌ده نه همین طوری کمکی می‌کنه، چه طوری باید گلیم خودم رو از آب بکشم بیرو» (پاسخگوی ۲۴).

اجرای مهریه با انگیزه تنبیه همسر

اجرای مهریه با انگیزه تنبیه همسر، از دیگر مضامین اظهار شده توسط شماری از زنان درگیر با این مسأله است. این گروه از زنان بر این باور هستند که با چنین عملی همسرانشان را از مسائل و مشکلات موجود در زندگی مشترکشان آگاه نموده و به نوعی زمینه بازگشت دوباره خود یا همسرانشان را به زندگی مشترکشان فراهم می‌نمایند. اگرچه، این افراد در اظهارات خود در خصوص چنین مضمونی به این موضوع نیز اشاره نموده‌اند که چنین انگیزه‌ای فقط تا مدت

زمان معینی برای آنها در اولویت خواهد بود و در صورت عدم تحقق اهداف آنها، انگیزه‌های دیگری در اولویت قرار می‌گیرند. گفته‌های زیر به نحوی این مضمون را مورد تأیید قرار می‌دهد.

خانمی ۲۵ ساله با سیمایی آراسته و جذاب که بنا بر اظهارات خود در سن ۱۶ سالگی ازدواج کرده است و مادر یک فرزند پسر است، فهم خود از موضوع را چنین بیان می‌کند:

«بیشترین انگیزه‌ام از این که مهریه‌ام رو اجرا گذاشتم، این هست که شوهرم آدم بشه، اگه قول بده که دیگه اون کارهای قبلی رو انجام نده یا بگذاره کنار، من هم بر می‌گردم سر خونه و زندگی‌ام. مهمترین هدف من همین هست. به‌همین خاطر هم خودم رفتم و دادگاه رو به تعویق انداختم، چون دلم واقعا براش می‌سوزه و می‌خوام که درستش کنم. ولی اگه نشد، انگیزه‌ام همون گرفتن مهریه مه. اونم به‌خاطر این که هیچ پشتوانه مالی ندارم. طلاقم هم خیلی برام مهم نیست» (پاسخگوی ۲۱).

خانمی ۴۸ ساله، با تحصیلات دیپلم و صاحب یک فرزند دختر، معتقد است که در طول بیست و دو سال زندگی مشترک، بسیاری از رفتارهای نامناسب شوهرش را تحمل کرده است. او اظهار می‌دارد که دیگر قادر به ادامه زندگی مشترک در چنین شرایطی نیست. این زن که به علت شرایط سنی دختر خود، تمایلی درونی به گرفتن طلاق و جدایی از همسر ندارد، فهم و انگیزه خود را از تنبیه همسرش این‌گونه روایت می‌کند:

«خب! در واقع بی‌محبتی‌ها، بی‌اهمیتی‌ها و عادت‌های زشت اخلاقی همسر باعث شد که مهریه‌ام رو به اجرا بگذارم. می‌دونید مشکلات من، با مشکلات خیلی از زن‌های دیگه‌ای که می‌یان و مهریه‌شون رو اجرا می‌گذارند، فرق می‌کنه. چه جور بی‌بگم... درسته که شوهر من آدم پاک و ساده‌ای است، نه معتاده، نه دزده، نه قاچاقچیه، ولی اون مشکلات اخلاقی دیگه‌ای داره. اون اصلا آدم منطقی نیست. محبت رو درک نمی‌کنه. توی جمع نمی‌تونه خودش رو نشون بده و صحبت کنه. اون قادر نیست با من حرف بزنه. از همه مهمتر اون پشتیبان من نیست، شوهر من یه آدمیه که فکر می‌کنه محبت کردن به زن اون رو لوس می‌کنه» (پاسخگوی ۲۶).

این زن میان سال ضمن اشاره به برخی از عادات شخصی و روزمره شوهرش که مورد تأیید او نیست، در ادامه می‌افزاید:

«از همه این‌ها گذشته، مشکل اصلی من با شوهرم، به‌خاطر عادت‌های زشت اخلاقی‌شه. هر چی بهش می‌گم، بیا برو دکتر، نمی‌ره. فکرش رو کنید، شوهر من مو نداره، ولی همیشه شونه تو

دستاشه و سرش رو شونه می‌کنه. خیلی کارش زشته و خنده داره. از اون بدتر، حدود ۲ ساعت طول می‌کشه تا صورتش رو اصلاح کنه. من از این رفتارهاش خیلی عذاب می‌کشم. یه چیز خیلی وحشتناک‌تر، صدای بینی شوهرم. باورتون نمی‌شه، وقتی بینی‌اش رو تمیز می‌کنه، تموم خونه می‌لرزه. این کارش رو هم که یک بار و دو بار انجام نمی‌ده، چند بار در طول روز، هر دفعه هم ۲ ساعت طول می‌کشه تا بینی‌اش رو تمیز کنه» (همان پاسخگو).

این زن در حالی که اشک از چشمانش سرازیر می‌شود، ادامه می‌دهد:

«شوهر من اصلاً نمی‌فهمه که این رفتارش زشته و باید خودش رو تغییر بده. اون به هیچ وجه فکر آبروی دخترمون رو نمی‌کنه. من دیگه نمی‌تونم این طوری به زندگی با شوهرم ادامه بدم، ولی به خاطر دخترم فعلاً نمی‌خوام طلاق بگیرم. نمی‌دونم چی می‌شه، ولی مهمترین هدفم از این کاری که کردم، اینه که شوهرم تنبیه بشه و این اخلاق‌های زشتش رو بگذاره کنار. ... می‌دونید انگیزه اصلی من از این کار اینه که شوهرم رو ادب کنم و فعلاً طلاق برای من حرف آخر رو می‌زنه، ولی اگر نخواست عوض بشه، مهریه‌ام رو می‌گیرم، دخترم رو هم سر و سامان (شوهر) می‌دهم و بعدش هم طلاقم رو می‌گیرم» (همان پاسخگو).

اجرای مهریه با انگیزه دریافت حضانت دائمی فرزند

بر اساس یافته‌های تحقیق، اجرای مهریه با انگیزه دریافت حضانت فرزند، یکی دیگر از مضامین مهمی است که از سوی شمار محدودی از زنان درگیر با مسأله اجرای مهریه بیان شده است. یافته‌ها در این زمینه حاکی است که به جز آن تعداد از زنان مصاحبه شونده‌ای که به علت ترک زندگی خانوادگی توسط همسرانشان، مسؤولیت و سرپرستی فرزندانشان را به عهده گرفته‌اند، عده بسیار محدودی نیز وجود دارند که مایلند در ازای بخشش تمام یا بخش عمده‌ای از مهریه خود سرپرستی دائمی فرزندانشان را به عهده بگیرند. نمونه‌ای از این روایت‌ها در زیر ذکر شده است.

خانمی ۳۳ ساله که بنا به اظهارات خود، پانزده سال از شروع زندگی مشترکش می‌گذرد، دارای یک فرزند دختر است و به تازگی موفق شده است تا در ازای بخشش مهریه خود حضانت فرزندش را دریافت کرده و از همسرش جدا شود، تجارب زیسته و انگیزه خود از این عمل را چنین تشریح می‌کند:

«خیلی سختی کشیدم تا تونستم به جای مهریه‌ام، طلاقم و بچه‌ام رو بگیرم. هر چند، آگه می‌خواستم پول مهریه‌ام رو هم بگیرم، دستم به جایی نمی‌رسید و شوهرم چیزی نداشت که بده. فکرش رو هم که می‌کنم، می‌بینم مهریه به دردی هم به جز این نمی‌خوره که بتونی باهاش طلاق رو بگیری، یا بچه‌ات رو بگیری، یا هر کار دیگه‌ای، به جز پول مهریه‌ات. خلاصه، از این که فکر کنی از راه مهریه پولی به زن برسه، نه. حقیقتش رو هم بخواین توی این مدتی که من می‌رفتم توی دادگاه و می‌آمدم، ندیدم که کسی به حقش رسیده باشه. ولی با همه این‌ها بازم خدا رو شکر می‌کنم که آگه شوهرم پول مهریه رو نداشت که بده، تونستم به جای مهریه‌ام هم بچه رو بگیرم، هم طلاقم رو بگیرم و از اون زندگی لعنتی راحت بشم. از وقتی که ازش جدا شدم، احساس آرامش می‌کنم. انگار همه شادی‌ها بهم برگشته» (پاسخگوی ۱۵).

نکته‌ای که توجه به آن ضروری به نظر می‌رسد، این است که اغلب زنان درگیر با مسأله اجرای مهریه به‌طور معمول، علاوه بر انگیزه اصلی خود، انگیزه‌های دیگری را نیز دنبال می‌کنند، هر چند که این انگیزه‌ها در مراتب بعدی اهمیت قرار دارند. این به نوعی ناهمگونی و چند بعدی بودن مفهوم اجرای مهریه و انگیزه‌های آنان از اجرای آن را نشان می‌دهد. برای مثال، اغلب زنانی که مهمترین انگیزه خود را از به اجرا گذاردن مهریه‌هایشان، انتقام یا تنبیه همسر و مضامینی مشابه اعلام کرده‌اند، در پی تمهید زمینه‌های متارکه و طلاق خود نیز هستند.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نتیجه‌گیری: خط داستانی پژوهش

همان‌طور که اشتراوس و کوربین تصریح کرده‌اند، فرایند تحلیل داستان‌ها و تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان در یک مطالعه کیفی می‌تواند به یک داستان بزرگتر یا خط داستانی منتهی شود. "منظور از داستان صرفاً روایتی توصیفی در مورد پدیده اصلی مورد مطالعه است" (ذکایی، ۱۳۸۱: ۶۳) و خط داستانی در واقع، حاصل مفهوم‌سازی و ارائه شرحی انتزاعی و چکیده‌ای از داستان‌های فردی است. در واقع خط داستانی منتج از یک پژوهش کیفی، گروه‌ها و پیوندها و مضامین مشترک میان روایت‌ها و تجربیات زیسته را هویدا می‌کند، به رغم تنوع و ناهمگونی روایت‌ها و پیچیدگی‌های خاص موضوع مورد مطالعه (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

با اتخاذ چنین رویکردی، نگاهی به مجموعه روایت‌های زنان درگیر با مسأله چند لایه و

پیچیده‌ی اجرای مهریه نشان می‌دهد که سناریو یا خط داستانی کلی از تحلیل روایت‌های آنان قابل استخراج است. تحلیل روایت‌ها و مضامین نشان می‌دهد که افراد درگیر با مسأله اجرای مهریه با انگیزه‌های متفاوتی از جمله اجرای مهریه با انگیزه انتقام از همسر و خانواده او، فراهم نمودن زمینه‌ای برای جدایی از همسر و ترک زندگی خانوادگی، ایجاد مصالحه برای طلاق، تأمین نیازهای اقتصادی و ایجاد یک پشتوانه مالی، تنبیه همسر و دریافت حضانت فرزند و جز آنها اقدام به چنین عملی می‌نمایند. این یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که اغلب این زنان علاوه بر انگیزه اصلی خود، انگیزه‌های دیگری را نیز دنبال می‌کنند که در مراتب بعدی اهمیت و اولویت قرار دارند. به عبارت دیگر، زنان درگیر با مسأله، عمدتاً انگیزه واحدی را در اجرای مهریه خود دنبال نمی‌کنند.

به علاوه، خط داستانی پژوهش به شکل مستقیم یا تلویحی نشان می‌دهد که وضعیت نابسامان اشتغال همسر، خساست همسر، اعتیاد همسر، ازدواج مجدد، ناتوانی جنسی همسر، تحقیر شدن توسط همسر، تسلط بیش از حد برخی از اعضای خانواده بر همسر و همچنین، نابرابری یا عقیم بودن، عدم اطمینان به همسر و یا سطوح نسبتاً پایینی از آن و در نهایت روابط نامشروع و خارج از چارچوب ازدواج، از سوی خود و یا همسر از جمله عوامل و مضامین زمینه‌ساز برای ایجاد انگیزه برای به اجرا گذاشتن مهریه در میان این زنان هستند. زنان درگیر با مسأله در روایت‌ها و تجارب زیسته خود همچنین به عوامل و پیش زمینه‌های مؤثر دیگری مانند ساختارهای نامتناسب خانواده و شرایط مشکل‌زای درون آن، ازدواج‌های غیراصولی و شتاب زده و عدم دریافت حمایت‌های مؤثر خانوادگی، قانونی و اجتماعی و جز آن‌ها در توجیه به اجرا گذاشتن مهریه خود اشاره کرده‌اند.

تأملی بر تجارب زیسته و روایت‌های زنان درگیر با مسأله نشان می‌دهد که به باور اکثر آن‌ها تقاضای اجرای مهریه در جامعه ایران به منزله پذیرش برچسب یا انگ «ناسازگاری» یا «عدم تفاهم» از سوی جامعه و در نهایت پذیرش نوعی «تحریم اجتماعی»^(۱) ناخواسته است. آن‌ها همچنین برداشت مشابهی را نسبت به امر طلاق بیان کرده‌اند. از این نظر، در جامعه و فرهنگ

ایران، طلاق همچنان «داغ اجتماعی»^(۱) عمده و تقاضای دریافت طلاق و مطلقه شدن برابر با پذیرش انگ «تانجیب بودن» است. بسیاری از این زنان، طولانی شدن روند طلاق و مهریه را پرخطر دانسته و با استناد به تجارب زیسته خود و یا مشاهدات و شنیده هایشان در مدت رفت و آمد به محیط دادگاه، معتقدند که چنین روندی یکی از عوامل تسهیل کننده و زمینه ساز در ازدیاد دیگر مسائل اجتماعی است. آن‌ها همچنین استدلال کرده اند که در برخی موارد، طولانی شدن فرایند طلاق و جدایی، بسیاری از زنان درگیر با مسأله را با توجه ناتوانی و وابستگی مالی و یا به علت تنفر و اشمئزاز از همسر و گاهی نیز به منظور تسریع در فرایند طلاق و دریافت مهریه، در معرض آسیب های اجتماعی جدیدی قرار داده است. تعداد زیادی از این زنان در روایت‌ها و گفته‌ها خود به مسائلی چون ضعف در رعایت حقوق زنان و اجرای قوانین اشاره کرده و این موارد را در زمره محوری ترین موانع در راه تحقق حقوق و توانمندی زنان و بهبود وضعیت آن‌ها در جامعه تلقی کرده اند.

راهکارها و خطر مشی های پیشنهادی زنان درگیر با مسأله برای حل مسأله (همان برساخت اجتماعی راه حل های مربوط به مسأله، به تعبیر برساخت گرایان اجتماعی) بعد دیگری از خط داستانی تحقیق است. در این رابطه، مجموعه روایت‌ها و گفته های زنان مورد مطالعه نشان می دهد که آن‌ها ایجاد تغییرات و راهکارهایی در برخی از زمینه های زندگی اجتماعی، از جمله توانمندسازی زنان و افزایش آگاهی های حقوقی و اجتماعی آن‌ها برای حضور در عرصه های مختلف اجتماع، بررسی مشکلات و موانع زنان خانه دار و شاغل آسیب پذیر، تأمین استقلال مالی زنان، تغییر قوانین مربوط به زنان، سیاست گذاری هایی در افزایش حمایت های قانونی از زنان درگیر با مسائل خانوادگی و ایجاد نظارت صحیح بر روند اجرای قانون و افراد مسؤول در این زمینه، افزایش آگاهی رسانی و تقویت معیارهای صحیح انتخاب همسر، کاربردی کردن شروط ضمن عقد در جهت رفع کمبودهای قانونی حقوق زنان را برای حل مسائل زنان به طور اعم و مدیریت مسأله مهریه به طور اخص پیشنهاد می کنند. به طور خلاصه، زنان درگیر مسأله، برساخته ها و روایت های متفاوتی را درباره علل بروز مسأله، ابعاد و زوایای آن و دلالت ها و نتایج و راه حل های آن ارائه کرده اند. این نتیجه ضمن تأیید ماهیت میان ذهنی مسأله ای

اجتماعی چون اجرای مهریه در جامعه ایران، این درس برساخت‌گرایان اجتماعی را به ما گوشزد می‌کند که افراد درگیر با یک موضوع واحد، استراتژی‌ها و مؤلفه‌های زبانی متفاوتی را برای فهم، برساخت و روایت مسأله مورد نظر به کار می‌گیرند. یعنی مسائل اجتماعی را نمی‌توان اموری صرفاً عینی و مسلم در نظر گرفت، بلکه همان‌طور که برساخت‌گرایان اجتماعی تأکید می‌کنند آن‌ها امور و حالت‌هایی هستند که در جامعه، برساخته و خلق می‌شوند. مسائل چندلایه و پیچیده‌ای مانند مهریه و نحوه به اجرا گذاردن آن، ماهیت میان‌ذهنی و تعریفی داشته و در جامعه معاصر ایران با به کارگیری استراتژی‌هایی خاص و فعالیت‌های متنوع و پهن دامنه اقامه دعوی توسط نیروها و متولیان اجتماعی خاصی به لحاظ اجتماعی و فرهنگی، برساخته شده‌اند. در نتیجه، آنچه امروزه به عنوان ماهیت و ویژگی‌های مسأله اجرای مهریه در زمینه اجتماعی و فرهنگی متفاوت ایران قلمداد می‌شود، می‌تواند از طریق فعالیت‌های اقامه دعوی و برساخت‌گرایانه، صورت دیگری پیدا کند. تجارب زیسته و روایت‌های زنان درگیر با مسأله در شیراز نشان می‌دهد که آن‌ها بالقوه از اقامه کنندگان دعوی یا بازیگران اصلی مسأله بازی گونه مهریه هستند. آن‌ها در پی ایفای نقش مهمتر و جدی‌تر در خلق واقعیت‌ها و حقوق بشری و در برساخت مؤلفه‌ها، مضامین و راه‌های مربوط به دنیای اجتماعی و فرهنگی هستند که در آن، زندگی و کار می‌کنند. شاید گزاره نیست گفته شود که «اجرای مهریه توسط زنان درگیر با آن، در حقیقت خود نوعی فعالیت اقامه دعوی یا یک بازی برساخت‌گرایانه برای نام‌گذاری، سنخ‌بندی، تعریف و برساخت مجدد آن باشد»!

منابع

- آزاد، علی (۱۳۴۱)، «مهر در حقوق مدنی ایران»، پایان‌نامه دکتری، علوم قضایی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه تهران.
- انصاف پور، غلام‌رضا (۱۳۷۴). فرهنگ کامل فارسی، تهران: انتشارات زوار.
- آهنگری، هاشم (۱۳۷۷)، «مهر و نحوه محاسبه آن»، کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه تهران.
- باباخانی، زرین (۱۳۷۷) مهریه، تهران: انتشارات رامین.
- تهرانیان، میترا (۱۳۴۵)، «بررسی امر ازدواج از لحاظ سن، قرابت، اختلاف مهر و اشتغال

- در تهران"، دانشکده علوم اجتماعی، تهران.
- رازقی، حجیه بی‌بی (۱۳۸۴)، "بررسی جنبه‌های اجتماعی - فرهنگی و جمعیتی ناباروری: مطالعه موردی در تهران"، راهنما: محمد جلال عباسی شوازی و محمد مهدی آخوندی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۸۱) نظریه و روش در تحقیقات کیفی، فصل‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷، صص. ۴۱-۶۹.
- طالبی اردکانی، سمیه (۱۳۸۶)، "برساخت اجتماعی اجرای مهریه در میان زنان درگیر با مساله اجرا"، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات زنان، دانشگاه الزهرا.
- فورمهرند، کاظم (۱۳۷۳)، "وضعیت حقوق‌قی و دارایی زوج در حقوق ایران و تطبیق آن در حقوق انگلیس"، پایان نامه کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، تربیت مدرس.
- قاضی طباطبایی، محمود، پاولاک، دروتی و ابوعلی ودادهیر (۱۳۸۵)، "برساخت یک مساله اجتماعی-جمعیتی: درآمدی بر جمعیت‌شناسی اجتماعی-اقتصادی اچ آی وی-ایدز در ایران"، نامه انجمن جمعیت‌شناسی، سال اول، شماره ۲، صص. ۱۷۰-۱۳۶.
- قاضی طباطبایی، محمود، ودادهیر، ابوعلی و علیرضا محسنی تبریزی (۱۳۸۶) پزشکی شدن به مثابه بازی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳ (بهار ۱۳۸۶)، صص. ۲۸۹-۳۲۴.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴) حقوق مدنی خانواده، تهران: انتشارات میزان.
- ۱۳- گلفام، توران (۱۳۴۵)، "بررسی وضعیت ازدواج در تهران"، پایان نامه کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- مومنی، عابدین (۱۳۶۶)، "ترجمه و تحقیق نکاح و صدق از کتاب شیخ طوسی"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۷)، "بررسی آگاهی نگرش و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در تهران"، مرکز پژوهش‌های بنیادی فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مهدوی، محمدصادق (۱۳۷۷)، "بررسی تطبیقی تغییرات ازدواج"، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- مهرپور، حسین (۱۳۷۹)، "حقوق زن"، تهران: اطلاعات.
- Berger, P. & T. Luckmann (1976) The Social Construction of Reality: A

Treatise in the Sociology of Knowledge. New York: Penguin Books.

- Best, J. (1995) Constructionism in Context, In: Best, J. (ed.) Images of Issues: Typifying Contemporary Social Problems, New York: Aldine De Gruyter, pp. 337-354.

- Best, J. (2004) Theoretical Issues in the Study of Social Problems and Deviance, In: Ritzer, G. (Ed.) Handbook of Social Problems: A Comparative International Perspective, Thousand Oaks, CA: Sage, pp. 14-29.

- Best, J. (2008) Social Problems, New York: W. W. Norton & Company.

- Blumer, H. (1971) "Social Problem as Collective Behavior", Social Problem 18 (winter), PP. 298-306.

- Glaser, B. G., Br Strauss. A. L. (1967) The Discovery of Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research, New York: Aldine de Gruyter.

- Hancock, B. (2002) An Introduction to Qualitative Research, 2nd Revision, Nottingham: TREND FOCUS GROUP.

- Haraway, D. (1989) Primate Visions: Gender, Race, and Nature in the World of Modern Science, New York: Routledge.

- Lincoln, Y. S. & E. G. Guba (2000) Paradigmatic Controversies, Contradictions, and Emerging Confluences, In: Denzin, N. K. & Y. S. Lincoln (eds.) Handbook of Qualitative Research, 2nd Edition, Thousand Oaks: Sage Publication, pp. 163-88.

- Loseke, D. R. (2003) Thinking about Social Problems: An Introduction to Social Constructionist Perspectives, New York: Aldine de Gruyter.

- Maxwell, J. A. (1998) Designing a Qualitative Study, In: Bickman, L. & D. J. Rog (eds.) Handbook of Applied Social Research Methods, Thousand Oaks, CA: Sage Publication, pp. 69-100.

- Mcright, M. A. & D. E. Riley (2000) "Challenging Global Warming as a

Social Problem: An Analysis of the Conservative Movement's Counter-Claims," *Social Problem* 47 (4./ Nov), pp. 499-522.

- Richards, L. (2005) *Handling Qualitative Data: A Practical Guide*, London: Sage Publications

- Schneider, J. W. (1985) *Social Problems Theory: The Constructionist View*, *Annual Review of Sociology* 11, pp. 209-29.

- Spector, M., & J. Kitsuse (1987[1977]) *Constructing Social Problems*, New York: Aldine de Gruyter.

- Strauss. A. & J. Corbin (1998) *Basics of Qualitative Research*, 2nd Edition, Newbury Park, California: Sage Publications.

- Yoshihama, M. (2002), "The Definitional Process of Domestic Violence in Japan", *Violence against Women* 8 (3/ March), pp: 339-366.